## الو شرق ۸۸۶۵۴۳۹۰

■ **انتخابات مدیران مسوول کی برگزار می‌شود:** انتخابات مدیران مسوول چه زمانی برگزار می‌شود و چه کسانی حق رای دارند.

**مخاطبی از تهران**

**شرق: بر اساس قانون بعد از به حد نصاب نرسیدن دور اول، انتخابات دور دوم حداقل دو هفته پس از آن برگزار می‌شود. در دور دوم رسیدن به حد نصاب که نصف به علاوه یک مدیر مسوول از ۲۹۰۰ نشریه است، لازم نیست. در این انتخابات تنها مدیران مسوول نشریات فعال در کشور حق رای دارند.**

■ **رانندگان تاوان عدم توجه به قانون را بدهند:** آیا راننده بی‌احتیاط و خطاکاری که موجب مصدومیت یا فوت عابر پیاده‌ای شده که در حال عبور از خط‌کشی عابر پیاده بوده است، به صرف داشتن بیمه شخص ثالث و پرداخت دیه می‌تواند پاسخ بی‌توجهی و قانون‌شکنی خود را بدهد. تقاضا می‌شود مسوولان قضایی و انتظامی بی‌توجهی رانندگان را به قوانین به صورت جدی‌تری مورد توجه قرار دهند.

**یک شهروند**

■ **آدرس سایت روزنامه را درج کنید:** آدرس اینترنتی سایت روزنامه را در روزنامه منتشر کنید تا در مواقعی که به اصل روزنامه دسترسی نداریم، بتوانیم از روی صفحه اینترنتی مطالب روزنامه را مطالعه کنیم.

www.sharghnewspaper.ir

**یک مخاطب**

■ **منطق سیلی:** با نماینده اصلاح‌طلبی که از نماینده اصولگرا سیلی خورده است ابراز همدردی می‌کنم و می‌خواستم بگویم ناراحت نباشید زیرا برخی از این آقایان منطق‌شان همین است.

**یک شهروند**

■ **امثال باهنر آینده سیاسی نخواهند داشت:** به نظر من در میان اصولگرایان درست‌ترین تحلیل را بر مبنای مقتضیات اصولگرایی، جریان حاکم بر دولت انجام می‌دهد و آن طیفی که اصولگرایان میانه‌رو نامیده می‌شود در میان‌مدت و بلندمدت آینده‌ای نخواهند داشت. این آقایان محصول انتخابات مجلس هشتم هستند. در انتخابات آینده خواهیم دید که آنها نه در میان مردم رای دارند، نه در رقابت قدرت با گروه حامی رئیس‌جمهور قادر به مقابله هستند. شما دست و پا زدن اصولگرایان به اصطلاح میانه‌رو را جدی نگیرید. پیشتر هم این توهم در میان مطبوعات اصلاح‌طلبی وجود داشت که شاید اینها بتوانند فضا را تلطیف کنند اما آنها نه در میان مردم جایگاهی دارند، نه در قدرت. بنابراین اگر اصلاح‌طلبان در انتخابات آینده شرکت کنند رقابت اصلی میان آنها و حامیان دولت خواهد بود. اگر هم اصلاح‌طلبان امکان حضور نداشته باشند، حتماً حامیان دولت مجلس را به دست خواهند گرفت و امثال آقای باهنر در سیاست آینده‌ای نخواهند داشت.

**یک شهروند**

■ **مطالبات مستمری‌بگیران چرا پرداخت نشد:** یک ماه پیش مطالبات معوقه بازنشستگان کشوری را پرداخت کردند اما مطالبات همسران مستمری‌بگیر بازنشستگان به دیار باقی شتافته را پرداخت نکردند. مگر این خانم‌ها زندگی ندارند. پیش از این چنین فرق گذاشتن سابقه نداشت و این در حالی است که همسران مستمری‌بگیر بازنشستگان مسوولیت اداره خانواده و فرزندان را دارند و باید از آنها حمایت شود.

**عسگری**

■ **تبرئه قاضی و یادآوری یک پرونده تاریخی:** در صفحه حوادث خبری بود درباره قاضی که از اتهام قتل همسر سوم‌اش تبرئه شده است. با این خبر من به یاد پرونده‌ای افتادم که فردی در طالقان به ضرب گلوله تفنگ یک نفر کشته شد اما ضارب تبرئه شد.

**یک شهروند**

■ **برای اصولگرایی سیلی‌زننده متاسفم:** تیتر «این سیلی ریشه در اصولگرایی دارد» را دیدم. واقعاً برای اصولگرایی که منطق‌اش به جای صحبت کردن و بحث کردن سیلی زدن است، متاسفم. دیگر اینکه پسر من در خارج از کشور زندگی می‌کند و روزنامه شما را از طریق سایت آن دنبال می‌کند، متاسفانه سایت روزنامه به‌روز نیست و او و دیگر ایرانیان خارج از کشور همیشه گلایه دارند.

**یک مخاطب**

■ **یوزپلنگ ایرانی و آب قلیان قاجارها:** در روزنامه روز دوشنبه درباره نابودی قریب‌الوقوع نسل یوزپلنگ ایرانی نوشته بودید. آن وقت نماینده گرمسار گفته است پارکی که درآمد ارزی ایجاد نمی‌کند و توریستی از آن بازدید نمی‌کند، چه فایده‌ای دارد. یاد حرف یکی از رجال قاجار افتادم که پس از قرارداد ننگین ترکمانچای گفته بود آب دریا که به درد قلیان نخورد همان بهتر که نباشد. متاسفم برای نماینده‌ای که به این شکل درباره کشورمان و میراث طبیعی‌اش صحبت می‌کند.

**یک شهروند**

■ **با مردم صادق باشید:** بانک مرکزی بر اساس کدامین موازین و ادله نرخ تورم را ۸/۸ درصد اعلام می‌کند در صورتی که در روزهای اخیر شاهد رشد بی‌رویه قیمت اقلام مختلف هستیم. آیا معنی شفاف‌سازی و عدالت در حق مردم این است. بازنشستگان با افزایش شش درصدی حقوق چگونه پاسخگوی افزایش لجام‌گسیخته قیمت‌ها باشند. آیا سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تعطیل شده است. لطفاً با مردم صادق باشید.

**یک شهروند تهرانی**

■ **عدم ابلاغ طرح تفصیلی و مشکلات مردم:** در ستون الو شرق مطلبی چاپ شده بود که چون امضا نداشت، متوجه نشدم پاسخ شهرداری است یا یک پیام تلفنی. گفته شده بود در خصوص طرح تفصیلی مشکلی وجود دارد مبنی بر اینکه لایحه مالیات بر ارزش افزوده توسط شورای شهر ابلاغ نشده و در نتیجه نحوه انتفاع شهرداری مشخص نیست. سوال من این است که مگر این همه هزینه تراکم و عوارض که می‌گیرند انتفاع شهرداری نیست. از این گذشته آیا این مشکلات فیمابین شهرداری و شورای شهر دودش باید به چشم مردم برود. آیا اگر مدت سه سال مجوز عمران زمین‌ها از بین برود و زمین موات محسوب شود، آقای قالیباف پاسخگوی ضرر و زیان مردم خواهد بود. مسوولان تکلیف مردم را مشخص کنند.

**مرتضوی**

■ **به جای ماده ۲۳ لایحه حمایت از خانواده به فکر اقتصاد باشید:** بر فرض اینکه لایحه حمایت از خانواده به همین شکل تصویب شود که خواهد شد و ماده ۲۳ آن مبنی بر تعدد زوجات نیز به تصویب مجلس و شورای نگهبان برسد، در هر صورت بعید است عده زیادی از مردم بتوانند چنین قانونی را اجرایی کنند زیرا شرایط اقتصادی به قدری سخت است که عملاً امکان تعدد زوجات از مردان سلب شده است. اما جای تعجب است که مسوولان به جای آنکه برای بهتر شدن وضعیت اقتصادی تدابیری اتخاذ کنند تا جوانان بتوانند ازدواج کنند، به عده بسیار کمی که تمکن مالی و امکان تعدد زوجات دارند توجه کرده‌اند. علاوه بر این اینکه با وضع این قانون که زن‌ها حق دارند در صورت تجدید ازدواج همسرشان از آنها جدا شوند نه‌تنها مابه‌ازای درستی برای تعدد زوجات نیست بلکه به این ترتیب بخشی از خانواده‌ها در معرض فروپاشی قرار می‌گیرند.

**یک شهروند**

### تاملی پیرامون طرح یک‌فوریتی نظارت بر کارکرد نمایندگان

# پیش‌نیازهای نظارت کارآمد

**عبدالواحد موسوی‌لاری**

یکشنبه چهارم مهرماه ۱۳۸۹ فوریت طرح قانونی چگونگی نظارت بر عملکرد نمایندگان مجلس شورای اسلامی در صحن علنی مجلس رای لازم را نیاورد و رد شد.

این طرح که با امضای بیش از ۱۵۰ نماینده تقدیم هیات‌رئیسه مجلس شده بود پس از اظهار نظرات موافق و مخالف به رای گذاشته شد و فوریت آن مورد تایید قرار نگرفت.

رسانه‌های حامی و موید دولت از قبیل صدا و سیما، روزنامه کیهان و سایت خبری رجانیوز با عناوینی از قبیل «نمایندگان به طرح قانونی نظارت بر خود رای ندادند» و «مخالفت نمایندگان با یک فوریت طرح نظارت نمایندگان بر امور نمایندگان» به بازتاب این خبر پرداختند در حالی که رسانه‌های مستقل و نیمه‌مستقل کمی بااحتیاط به انعکاس خبر پرداختند.

ظاهراً برخی از گردانندگان رسانه‌های دولتی انتظار چنین تصمیمی از ناحیه نمایندگان را نداشتند به ویژه اینکه بیش از ۱۵۰ نماینده طرح را امضا کردند و کمتر از ۸۰ نماینده به آن رای مثبت دادند. چرایی امضای اولیه ۱۵۰ نفری و سلب فوریت آن در جلسه علنی با رای اکثریت از نکات حائز اهمیتی است که در جای خود باید مورد توجه قرار گیرد. نماینده مخالف فوریت طرح در بیان علت مخالفت خود چنین می‌گوید: مجلس خود ناظر بر همه قوای کشور است تا مبادا به خاطر عجله شرایط قوه‌ای که ناظر بر همه قواست، تضعیف شود. (لاهوتی نماینده لنگرود)

نماینده دیگری که از موضع دفاع از طرح و تاکید بر تصویب فوریت آن سخن می‌گفت، اظهار داشت: مجلس در راس امور است و طبق قانون اساسی اختیاراتی دارد و برای اینکه در معرض اتهامات ناروا قرار نگیرد و همواره جایگاه نظارتی و قانونگذاری خود را حفظ کند نیاز به چنین طرحی دارد. از منظر این نماینده، این طرح پرچم افتخار مجلس هشتم خواهد بود. (محمد دهقان عضو هیات‌رئیسه مجلس) ملاحظه می‌شود مخالف و موافق هر دو بر ضرورت صیانت از جایگاه مجلس و شأن نماینده مردم تاکید داشته و مخالفت و موافقت خود را در این مسیر توجیه می‌کنند. گروهی تحت نظارت بودن نمایندگان مجلس را موجب تقویت مجلس می‌دانند و عده‌ای با اذعان به اصل ضرورت نظارت شتاب در ایجاد ساز و کار نظارتی را نه‌تنها لازم ندانستند بلکه این امر را موجب تضعیف جایگاه مجلس قلمداد کردند.

راه صواب کدام است؟ مخالفان فوریت نظری صائب دارند یا موافقان طرح؟

اکثریت مجلس راه دوم را برگزیدند و طرح برای بررسی جامع و کامل به کمیسیون‌های تخصصی سپرده شد. باید منتظر ماند و دید آنچه تحت عنوان طرح به کمیسیون‌ها سپرده شده است به صحن مجلس باز می‌گردد یا نه؟ و در صورت بازگشت با چه مشخصاتی به مجلس عرضه می‌شود؟ در هر صورت، نتیجه بررسی کمیسیون‌ها و تصمیم مجلس هرچه باشد نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که با ارائه این طرح یک‌بار دیگر ضرورت نظارت بر کارکرد دست‌اندرکاران نظام مورد توجه قرار گرفته است. این موضوع را باید به فال نیک گرفت و از آن استقبال کرد.

این قلم تلاش خواهد کرد به صورت موجز نکاتی چند پیرامون ۱- اصل ضرورت نظارت ۲- نظارت بر ارکان حکومت در قانون اساسی ۳- ساز و کارهای عمومی و اختصاصی نظارت بر کارکرد نمایندگان ۴- نقد محتوایی و شکلی طرح ارائه‌شده به مجلس را به اهل دقت و نظر ارائه کند.

ضرورت پرداختن به جایگاه نمایندگان مجلس زمانی جدی‌تر می‌شود که تریبون‌های رسمی از زبان صاحب‌منصبان اجرایی بدون پرده‌پوشی، مجامله و رودربایستی اعلام می‌کنند: «اینکه امام فرمودند مجلس در راس همه امور است مربوط به آن زمان بوده است، امروز دیگر چنین نیست.»

نفی صریح و شفاف جایگاه مجلس توسط دولتمردان بی‌تردید ناشی از دو امر است؛ یکی حاکمیت تفکر مزاحم‌پنداری نهادهای مردم‌بنیاد و دیگری کارکرد مجلس در ادوار اخیر. لذا در شرایط اینچنینی پرداختن به موقعیت مجلس و جایگاه نمایندگان مردم در نظام تصمیم‌گیری کشور ضرورتی غیرقابل انکار است. قبل از پرداختن به مساله مورد نظر، یعنی نظارت بر نمایندگان مجلس و طرح مباحث مرتبط با آن، نگاهی کلی به اصل موضوع نظارت لازم است. نویسنده بر این باور است که نظارت‌پذیری و پاسخگو بودن سطوح مختلف مدیریت جوامع، اصل خدشه‌ناپذیر، شرط لازم و تابلوی هویت تمامی نظام‌های مردم‌سالار است و بر این اصل عقلایی، هیچ گونه تردیدی روا نیست. بر اساس این اصل، تمامی کسانی که در اداره جامعه نقشی بر عهده دارند همان گونه که از اختیاراتی برخوردارند تکالیفی نیز متوجه آنهاست و بنا به قبض و بسط حیطه اختیارات خویش متعهد و مسوول شناخته می‌شوند و باید با نظارت دائمی نسبت به تحقق مسوولیت‌ها و انجام تکالیف اطمینان حاصل شود. اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز گویای این واقعیت بوده و حتی در مواردی که آراستگی به صفات تقوا و عدالت شرط عهده‌داری مسوولیت‌ها بوده است نیز از اصل نظارت و تعبیه ساز و کارهایی برای این منظور غافل نمانده است. حال اینکه ساز و کارهای نظارتی موجود تا چه اندازه کارآمد بوده و در آن اصل تناسب اختیار و تکلیف رعایت شده است یا نه، موضوع دیگری است که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد.

تامل در سلسله‌مراتب مدیریت جامعه منطبق بر قانون اساسی شرایط ثبوتی و اثباتی پیش‌بینی‌شده برای هریک از مدیران و راهبران جامعه و در نهایت مکانیسم‌های نظارتی مرتبط با هر سمت، برای روشن‌تر شدن بحث مفید خواهد بود و شایسته است به اجمال به آن پرداخته شود.

الف- براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران راس هرم مدیریت نظام اسلامی در عصر غیبت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه) مقام ولایت فقیه و رهبری است که با رای غیرمستقیم مردم از طریق مجلس خبرگان رهبری عهده‌دار مسوولیت می‌شود. اصل یکصد و دهم قانون اساسی اختیارات و حوزه تصمیم‌گیری رهبر را نشان می‌دهد. تعیین سیاست‌های کلی نظام، نصب و عزل رئیس قوه قضائیه، امضای حکم رئیس‌جمهور و فرماندهی کل نیروهای مسلح بخشی از اختیارات مصرح در این اصل است.

در کنار این اختیارات وسیع، اصل یکصد و هفتم قانون اساسی می‌گوید: رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است و اصل یکصد و یازده می‌گوید هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصل یکصد و نهم شود یا معلوم شود از اول فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر بر عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم است.

ملاحظه می‌شود که بالاترین رکن تصمیم‌گیری کشور همان‌گونه که از اختیارات وسیعی بهره‌مند است در حیطه نظارت ناظری به نام مجلس خبرگان قرار دارد.

بر اساس قانون اساسی خبرگان، ملت باید در موقع انتخاب رهبر شرایط و صفات احصاشده در اصل یکصد و نهم قانون اساسی برای رهبر را احراز کرده و در طول دوران رهبری نیز تداوم آن را رصد کنند. این موضوع صراحت اصول یکصد و هفتم و یکصد و یازدهم قانون اساسی است. تعابیر به کار گرفته‌شده در اصل یکصد و یازدهم نشانگر جدی بودن موضوع و ضروری بودن اصل نظارت است و مرجع ناظر نیز مجلس خبرگان رهبری است که رسالت انجام این نظارت را بر عهده دارد.

ب- رئیس‌جمهور که بر اساس اصل یکصد و سیزده قانون اساسی پس از مقام رهبری عالی‌ترین مقام رسمی کشور است، مسوولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد. اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی می‌گوید: رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی مسوول است.

اصول هشتاد و ششم، هشتاد و هشتم و هشتاد و نهم قانون اساسی چگونگی نظارت مجلس بر رئیس‌جمهور را مشخص می‌کند. در بند ۱۰ اصل یکصد و دهم قانون اساسی تحت عنوان وظایف و اختیارات رهبر، عزل رئیس‌جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رای مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم پیش‌بینی شده است. براساس اصول یادشده، رئیس‌جمهور که جایگاه والایی در امور جاری کشور دارد و شخص دوم کشور شناخته می‌شود از طرق عدیده تحت نظارت بوده، که علاوه بر ساز و کارهای عمومی نظارت، دو مرجع اختصاصی نیز برای اعمال نظارت بر رئیس‌جمهور توسط قانون اساسی پیش‌بینی شده است؛ ۱- دیوان عالی کشور ۲- مجلس شورای اسلامی.

بنابراین چنانچه رئیس‌جمهور از حدود اختیارات فراتر رود یا در انجام وظایف کوتاهی کند دیوان عالی کشور و مجلس شورای اسلامی با او برخورد کرده و موجبات عزل او را فراهم می‌کنند.

ج- اصول یکصد و پنجاه و هفتم تا یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی حدود اختیارات و حوزه مسوولیت سلسله‌مراتب قضایی را نشان می‌دهد. مسوولان و صاحب‌منصبان این قوه نیز در برابر دستگاه نظارتی مثل کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و... پاسخگو بوده، علاوه بر اینکه بر اساس قانون عادی دادگاه انتظامی قضات به عنوان مرجع اختصاصی نظارت، مشرف بر اعمال دست‌اندرکاران امر قضاست.

بند ششم اصل یکصد و دهم قانون اساسی نیز نصب و عزل عالی‌ترین مقام قوه قضائیه را از اختیارات رهبری دانسته است.

بنابراین همان گونه که نمایندگان موافق و مخالف نیز تلویحاً یا تصریحاً اذعان کرده‌اند، اصل ضرورت نظارت به منظور پاسخگو کردن مدیران جامعه امری نیست که فرد یا گروه یا جمعیتی بتوانند منکر آن شوند. قانون اساسی ساز و کارهای نظارتی برای بعضی مسوولیت‌ها را مشخص کرده، پاره‌ای از مسوولیت‌ها را به سامانه‌هایی که توسط قوانین عادی مشخص خواهد شد، حواله داده و بعضی از مسوولیت‌ها را به هیچ یک از دو شیوه ارجاع نداده است. مسوولیت نمایندگی مجلس یکی از این موارد است که نه ساز و کار ویژه‌ای برای آن مشخص کرده و نه به قانون عادی حواله داده است.

چرا قانون اساسی در مورد نمایندگان مجلس ساز و کاری تعریف نکرده و قانونگذاران را نیز به ایجاد نهاد نظارتی خاص ملزم نکرده است؟

آیا این امر به معنای غیرحساس بودن سمت نمایندگی مجلس است یا ناشی از اطمینان نسبت به عدم لغزش نمایندگان است؟ یا ساز و کارهای عمومی نظارت را کافی می‌دانسته و امر نظارت بر نمایندگان مجلس را به حوزه نظارت عمومی و نهادهای موجود از یک طرف و موکلان و رای‌دهندگان از طرف دیگر واگذار کرده است؟ نگاهی آسیب‌شناسانه به حوزه اختیارات و مسوولیت‌های تاثیرگذاران در امر اداره جامعه به ویژه نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌تواند برای این پرسش‌ها، پاسخ‌های مناسب بیابد. تاکیداً یادآور می‌شویم سخن بر سر اصل نظارت و کنترل قانونی نیست که مفروض اولیه و اصل مسلم ما ضرورت نظارت بر تمام سطوح مدیریت کشور است. سخن بر سر کفایت یا عدم‌کفایت ساز و کارهای موجود است. آیا واگذاری امر نظارت بر نمایندگان به رای‌دهندگان و مردم حوزه انتخابیه و موکلان‌شان کفایت نمی‌کند؟

برای درک واقعی‌تر مساله، شناخت هویت صنفی نمایندگان و دامنه اختیارات و قدرت تاثیرگذاری آنان در امور جاری کشور و همچنین تعهدات و وظایفی که عهده‌دار می‌شوند، ضروری است. باید دید نمایندگان از چه اختیاراتی برخوردارند؟ عواملی که ممکن است موجب لغزش نمایندگان شود، چیست و راه پیشگیری از آن و مقابله با لغزش‌های احتمالی نمایندگان کدام است؟ اصول متعدد قانون اساسی حدود اختیارات، وظایف و تعهدات نمایندگان را به خوبی مشخص کرده است. یکی از این اصول، اصل شصت و ششم قانون اساسی است که حاوی متن سوگندنامه نمایندگان و دربرگیرنده تعهدات و مسوولیت‌ها و وظایف آنان است.

بر اساس متن سوگندنامه تعهدات نمایندگان عبارت است از: ۱-پاسداری از حریم اسلام ۲- نگهبانی از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی جمهوری اسلامی ۳- پاسداری از ودیعه‌ای که ملت به او سپرده ۴- رعایت امانت و تقوا در انجام وظایف وکالت ۵-پایبندی به استقلال و اعتلای کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم ۶- دفاع از قانون اساسی ۷- مد نظر داشتن استقلال کشور، آزادی مردم، تامین مصالح آنها در گفته‌ها، نوشته‌ها و اظهارنظرها.

آنچه در سوگندنامه آمده است مجموعه‌تعهدات نمایندگان است که هر نماینده موظف است در قانونگذاری، اظهارنظرها و اعمال وظایف نظارتی به آن پایبند باشد.

اصول دیگری از قانون اساسی ذیل عناوینی که جمعاً در سه عنوان کلی «قانونگذاری، اعمال نظارت و اظهارنظر و ابراز عقیده در تمام امور کشور» خلاصه می‌شود وظایف نمایندگان را تصریح کرده است: اصل هفتاد و یکم، اصل نودم، اصل هشتاد و چهارم، اصل هشتاد و پنجم، اصل هشتاد و ششم، اصل هشتاد و هفتم، اصل هشتاد و هشتم و اصل هشتاد و نهم. اصول مورد استناد نشان می‌دهد هویت صنفی نماینده، هویتی تقنینی نظارتی همراه با ویژگی فراگیری و شمول است به این معنا که او می‌تواند برای تمامی امور کشور قانون وضع کند و در وضع قانون هیچ مرز و محدودیتی جز شریعت اسلامی و قانون اساسی ندارد.

هر نماینده حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر کند و محدوده اختیارات نظارتی او تا استیضاح وزرا و رای به عدم‌کفایت رئیس‌جمهور کشیده شده و دست آخر اینکه بر اساس اصل نودم قانون اساسی مجلس، ملجا و پناهگاه تمامی کسانی است که از طرز کار قوای سه‌گانه شاکی باشند.

روشن است که شمول و فراگیری اختیار و مسوولیت نمایندگان را هیچ یک از کارگزاران نظام و وابستگان قوای دیگر ندارند. با این تفاوت که ماهیت اصلی سمت نمایندگی مجلس قانونگذاری با صبغه نظارتی و کنترلی است. نه‌تنها اختیارات نمایندگان که در وظایف آنان نیز، نظارت بر نهادهای اجرایی و قضایی حرف اول را می‌زند، حتی در آنجا که از مسوولیت و وظیفه نماینده سخن گفته می‌شود بسان اختیار او به نوعی مسوولیت نظارتی اشاره می‌شود، یعنی او موظف به اعمال نظارت بر دستگاه اجرایی و متولیان و کارگزاران نظام است.

حال باید دید اولاً اگر قانون اساسی خود ساز و کاری برای نظارت بر نمایندگان پیش‌بینی نکرده است و قانونگذار عادی را نیز به این امر ملزم نکرده است آیا نیازی به قانون عادی هست یا نیست؟ چراکه فرض ما این است که تدوین‌کنندگان قانون اساسی در مقام بیان بایدها و نبایدها بوده‌اند و سکوت‌شان در این مورد قرینه این است که برای این مساله ساز و کاری اختصاصی لازم نمی‌دانستند. ثانیاً اگر قرار باشد ساز و کار نظارتی برای کنترل کردار و رفتار نماینده پیش‌بینی شود، حوزه اعمال نظارت نهاد نظارتی کجاست؟ آیا ارتباطی با هویت صنفی او یعنی نمایندگی مردم پیدا می‌کند یا نه؟ به تعبیر روشن‌تر نظارت بر نماینده خارج از یکی از این سه حالت نیست؛ نظارت بر شخصیت حقوقی، نظارت بر شخصیت حقیقی یا تلفیقی از هر دو وجه شخصیت نماینده.

اگر ساز و کار نظارتی مورد نظر تهیه‌کنندگان طرح، ناظر بر شخصیت حقوقی نماینده باشد، یا باید تعهدات نماینده یعنی عناوینی از قبیل پاسداری از حریم اسلام، نگهداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی جمهوری اسلامی و... و در یک کلام تمامی آنچه در متن سوگندنامه نمایندگان آمده است را مطمح نظر قرار دهد و چتر نظارتی خود را بر این امور بگستراند یا ساز و کار نظارتی مورد نظر اختیاراتی از قبیل اظهارنظر در تمام امور کشور، سوال، استیضاح، رای به عدم‌کفایت سیاسی و... و هرآنچه جزء اختیارات نمایندگان است را مورد هدف قرار دهد یا هر دو وجه را وجهه همت خود ببیند. چنانچه سامانه نظارتی ناظر بر شخصیت حقیقی نماینده باشد که لابد موضوعاتی از قبیل اینکه او مقید به آداب اسلامی و پایبند به احکام شرعی هست یا نیست؟ لغزش‌های مالی دارد یا ندارد؟ لغزش‌های اخلاقی دارد یا ندارد؟ از موقعیت به دست آمده برای منافع شخصی سوءاستفاده می‌کند یا نه؟ در مراودات اداری و در تماس با مدیران اجرایی کشور، بهره‌گیری‌های فردی یا رفع نیازهای حوزه انتخابیه مورد نظر اوست؟ در سفرهای خارجی و تماس با بیگانگان سلامت کافی دارد یا نه؟ و ده‌ها سوال از این قبیل.

از میان موارد سه‌گانه «قانونگذاری، نظارت و ابراز عقیده پیرامون تمام مسائل کشور» که هویت صنفی نماینده تلقی می‌شود، امر قانونگذاری عملی جمعی است و هیچ نماینده‌ای به تنهایی نمی‌تواند قانونی را وضع کند یا قانونی را لغو کند، علاوه بر اینکه ماحصل کار جمعی و گروهی نمایندگان یعنی طرح‌ها و لوایحی که به تصویب مجلس می‌رسد باید به نظر شورای نگهبان برسد یعنی شورای نگهبان برابر قانونگذاری مجلس نظارت دارد، ضمن اینکه اصل هشتاد و ششم قانون اساسی صراحت دارد نمایندگان مجلس در مقام ایفای نمایندگی در اظهارنظر و رای خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آنها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرایی که در ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد بنابراین بعد قانونگذاری که یکی از ابعاد سه‌گانه هویت صنفی نماینده است نمی‌تواند مقصد غایی تاسیس ساز و کار نظارتی طراحان طرح نظارت بر نمایندگان باشد. ابراز عقیده پیرامون مسائل عمومی جامعه که بعد دیگر هویت نمایندگی مجلس شورای اسلامی است هرچند عملی فردی است و به حس مسوولیت‌شناسی و مصلحت‌سنجی نماینده تعلق دارد اما در مورد این بعد از وظایف نماینده نیز قانون اساسی تعیین تکلیف کرده و رسماً اعلام داشته است نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رای خود آزادند. در مورد بعد سوم شخصیت و هویت صنفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی یعنی بعد نظارت بر کارکرد مدیرانی که از مجلس رای اعتماد گرفته یا در موقعیتی هستند که تحقیق و تفحص از کارکرد آن به مجلس شورای اسلامی واگذار شده است یا صیانت از قوانین موضوعه کشور اقتضا می‌کند تا نمایندگان مجلس از اختیارات نظارتی خود به نمایندگی از کل ملت استفاده کنند، از مواردی است که هم وظیفه و هم اختیار نماینده تلقی می‌شود. پرواضح است که هیچ ساز و کار نظارتی انجام وظیفه را تخلف ندانسته، جرم تلقی نمی‌کند و بهره‌گیری یا حتی عدم‌بهره‌گیری از اختیارات نیز نمی‌تواند مورد بازخواست دستگاه نظارت قرار گیرد مگر موکلان نماینده که حق دارند در مورد تسامح در انجام وظایف نظارتی او را مورد بازخواست قرار دهند بنابراین اگر منظور از نظارت بر این‌گونه موارد، نظارت بر چگونگی انجام وظیفه نه اصل انجام وظیفه باشد آن هم در قانون اساسی با صراحت کامل آمده است. نتیجه‌ای که از مباحث پیش‌گفته به دست می‌آید این است که اگر تاسیس نهاد نظارتی خاص نمایندگان به منظور نظارت بر بعد حقیقی شخصیت او و در مقام صیانت از لغزش‌های احتمالی مرتبط با امور خصوصی نماینده از قبیل مواردی که به آن اشاره شد، باشد که دستگاه‌های عریض و طویل امنیتی و قضایی تمام آحاد جامعه را در حد معمول و در پاره‌ای موارد فراتر از آن زیر نظر داشته‌اند. از آنجا که نمایندگان مجلس نیز هیچ گونه مصونیتی در برابر جرائم و قانون‌شکنی‌های فردی ندارند، نهادهای یادشده می‌توانند با آنان مثل سایر افراد جامعه برخورد کنند، لذا نیازی به تاسیس نهاد موازی دیگری نخواهد بود ولیکن چنانچه تاسیس نهاد نظارتی خاص نمایندگان، شخصیت حقوقی و هویت صنفی نماینده را مورد توجه قرار دهد که ظاهراً عمده استدلال موافقان طرح ناظر به همین وجه از شخصیت نمایندگان بوده است، وجهی که او را از دیگر افراد جامعه متمایز و او را تاثیرگذار در حرکت عمومی جامعه کرده است، در این صورت باید دید سازوکار جدید با چه شرح وظایفی و دربرگیرنده چه راه و روشی وارد صحنه خواهد شد؟ طبیعتاً نهاد ناظر نمی‌خواهد از به بار نشستن وظیفه نمایندگی و انجام آن توسط نمایندگان که قانونگذاری، نظارت بر اعمال کارگزاران اجرایی و اظهارنظر پیرامون تمامی مسائل کشور است، بازخواست کند چراکه پایبندی به تعهدات و انجام‌وظیفه و حرکت در جهت رسالت نمایندگی موضوعی نیست که قابل پیگرد و درخور سرزنش و نکوهش باشد.

خلاصه اینکه قلمرو نهاد نظارتی طراحی‌شده توسط نمایندگان محترم، نه شخصیت حقیقی نمایندگان که این حوزه در قلمرو نهادهای عریض و طویل نظارتی موجود است و نیازی به تاسیس جدید نیست و نه بعد ایجابی هویت صنفی نمایندگان است که هیچ عقل سلیمی، مسوولیت‌شناسان عمل‌کننده به وظایف را مورد استنطاق قرار نمی‌دهد. باقی می‌ماند بعد سلبی یعنی بی‌مبالاتی و عدم پایبندی به رسالت قانونگذاری، نظارت و ابراز عقیده پیرامون مسائل کشور که این امور یعنی کوتاهی در انجام‌وظیفه، عدم پایبندی به تعهدات و سهل‌انگاری در انجام مسوولیت و... اموری است که می‌تواند مورد توجه ناظر فرضی قرار گیرد و نماینده را به خاطر آن امور مورد سرزنش و بازخواست قرار دهد.

با این مقدمات به این نتیجه می‌رسیم که طراحان محترم طرح نظارت باید عدم پایبندی نمایندگان به وظایف مصرح در اصل شصت و هفت قانون اساسی و سهل‌انگاری و ناتوانی در استفاده از اختیارات قانونی به منظور مقابله با بدعت‌ها، کژی‌ها و نابسامانی‌های دستگاه‌های مختلف کشور را به عنوان شرح وظایف نهاد نظارتی پیش‌بینی کنند و این نهاد را مطالبه‌کننده انجام رسالت نمایندگی معرفی کنند. بر اساس این نظر نماینده محترم که در آغاز کار و در اولین روز پای نهادن به خانه ملت در برابر کتاب خدا سوگند یاد کرده بود که از حقوق ملت دفاع کرده، آزادی مردم و مصالح آنان را مدنظر داشته باشد، باید پاسخ دهد که در طول دوره نمایندگی به سوگندنامه و تعهدات مندرج در آن پایبند مانده است یا نه؟

به دیگر سخن، استفاده از اختیارات تاییدشده در قانون اساسی، حضور فعال در ارائه طرح‌ها و لوایح و اظهار عقیده دقیق و مسوولانه پیرامون مسائل عمومی جامعه و استفاده از حق تذکر، سوال، استیضاح برای ملزم کردن دستگاه اجرایی به وظایف قانونی و جلوگیری از قانون‌شکنی‌ها، فردمحوری‌ها و ندانم‌کاری‌ها که به جامعه آسیب می‌رساند و هزینه‌های مادی و معنوی بر مردم تحمیل می‌کند، وظیفه بی‌چون و چرای نماینده است و او باید در مقابل عدم انجام این وظایف پاسخگو باشد و در این امر تردیدی نیست ولی پاسخگو در برابر رسانه‌ها و نهادهای مدنی، نه در برابر هیاتی که در طرح پیش‌بینی شده است.

حال اگر این امور، اموری است که نماینده مجلس باید در برابر عدم پایبندی به آنها پاسخگو باشد که حتماً چنین است، سوال این است که آیا برای پاسخگویی در برابر این وظایف باید نهاد نظارتی جدیدی طراحی کرد یا افکار عمومی موکلان و ابزارهای مختلف اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به افکار عمومی از قبیل رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری برای ملزم کردن نمایندگان به انجام تعهدات کافی است؟

نگارنده معتقد است از آنجا که منشاء مشروعیت حضور نمایندگان در مجلس شورای اسلامی و بهره‌مندی آنان از اختیارات قانونگذاری و نظارتی رای و خواست موکلان آنهاست، واگذاری امر نظارت بر منتخب مردم را باید به خود مردم واگذار کرد و تاسیس هرگونه نهاد نظارتی آنجا که ممکن است عامل گسست وکیلان از موکلان شود، نامطلوب تلقی می‌شود. ممکن است گفته شود سخن از افکار عمومی و واگذاری امر نظارت مردم بر کارکرد مدیران و نمایندگان مجلس شعاری غیرمنطبق بر واقعیت جامعه ماست. اگر نهادهای نظارتی وجود نداشته باشند افکار عمومی جامعه چگونه نماینده خاطی یا غیرفعال را مورد مواخذه قرار دهد؟ وجود ساختار نظارتی باعث می‌شود میزان پایبندی نماینده به وظایف و مسوولیت‌ها یا سهل‌انگاری و کم‌کاری او مستندسازی شده، افکار عمومی از آن مطلع شوند، بنابراین ساختار ویژه نظارتی در طول نظارت افکار عمومی و بسان ابزار آگاهی‌بخش آن تلقی می‌شود. لذا وجود نهاد نظارتی قانونمند عامل پویایی مجلس خواهد بود و مش